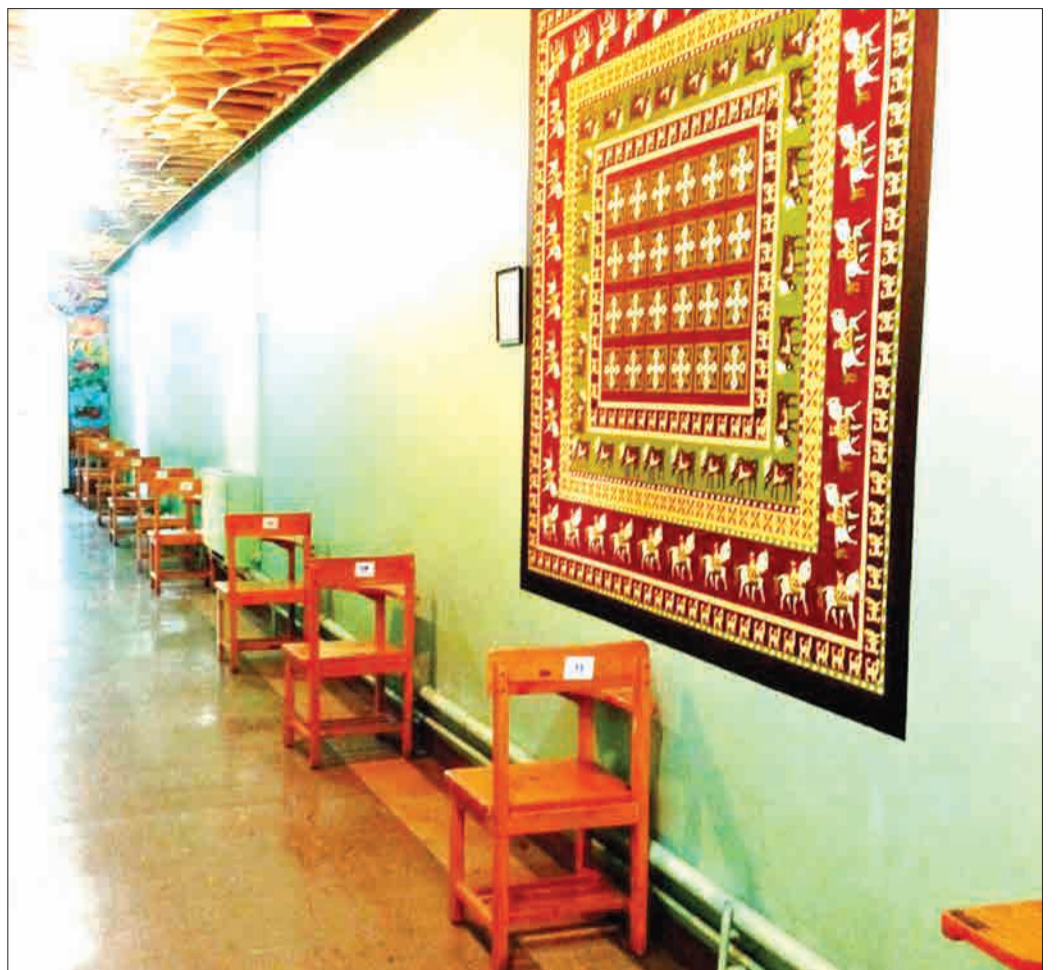


ساختمان آتلیه دانشکده پس از تخریب



ساختمان آتلیه دانشکده قبل از تخریب

## دانشجویان: دانشکده میراث، سازمان اسناد می شود

# آخرین ماه‌های تحصیل در دانشکده عالی میراث فرهنگی

«فروغ فکری» بیست و هشت دانشجوی دانشکده عالی میراث فرهنگی، هفت ماه گذشته را در ترس از انحلال دانشکده‌شان گذرانده‌اند. ترسی که حالا به واقعیت بدل شده و قرار است دیگر همان دانشکده نیم‌بند باقی مانده هم برای ترم جدید دانشجو نگردد. از هجدهم تیرماه امسال که علی اصغر مونسان، رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی، رئیس این دانشکده را عوض کرد و رضا معصومی را، مشاور رئیس سازمان، با حفظ سمت، به جای یوسف منصورزاده نشست، طرح انحلال دانشکده‌ی که از سال ۹۴ هیچ دانشجویی جذب نکرده است، کلید خورد. بعد از آن بود که همه وسایل مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی از ساختمان مدرسه پهلوی در کاخ نیاوران به خوابگاه خیابان ولیعصر (عج) که پسران در آن ساکن بودند آورده و قرار شد ترم جدید آنجا سپری شود. خوابگاه پسران بعد از انتقال از بین رفت و خوابگاه دختران هم که در ساختمان در کاخ نیاوران بود، تعطیل شد. سحر، دانشجوی مرمت این دانشکده که ترم آخرش را می‌گذراند از روزی که خوابگاه‌هاشان تعطیل شد در بدر خانه دوست و آشنا نشد: «باورم بر این است که اینک دانشکده‌ی با این اهمیت تعطیل خواهد شد. همه ما را نگران کرده. ترم جدید بر اینم که چنان سختی‌ای گذشت که نمی‌توانم شرح دهم.» او می‌گوید این دانشکده تنها دانشکده دولتی است که در دوره کارشناسی دانشجویان میراث می‌توانند در آن تحصیل کنند و انحلالش می‌تواند زنگ خطر بزرگی برای حوزه میراث فرهنگی باشد: «من از قزوین به این دانشکده آمدم. روز اول ورودم رافرموش نمی‌کنم. قضای تخصصی و زیبای آنجا هر دانشجویی را تحت تأثیر قرار می‌داد. آن زمان حدود ۳۰ دانشجو داشت. شاید هم بیشتر. فضایی که تحصیل و تحقیق آماده بود و حلالا؟ چیزی از آن نمانده است.»

دانشکده از سال ۹۴ هیچ دانشجوی جدیدی نگرفته و اکنون تنها دو گروه مرمت آثار تاریخی و موزه‌داری تنها بازمندان دانشکده عالی میراث فرهنگی‌اند. هر کدام از رشته‌ها ۱۴ دانشجو دارد و برای آنکه به کار دانشکده با سرعت بیشتری پایان دهند واحد پایان‌نامه را از رشته موزه‌داری حذف کرده و به دانشجویان مرمت هم گفته شده که تا پایان این ترم از پایان‌نامه خود دفاع کنند. محمد دانشجوی ترم آخر رشته مرمت است و می‌گوید آنها و استادان شان تلاش کردند تا فرصتی برای دفاع بگیرند و در نهایت قرار شد ترم آینده هم برای دفاع باشد. «دانشکده بعد از آن منحل خواهد شد و ترمس مادراین سال هابه واقعیت رسیده است. همه تلاش‌ها همان در این سال‌هایی نتیجه‌مانند.» آنها در این سال‌ها بارها و بارها نامه نوشتند و سعی کردند تلاشی برای احیای این فضا داشته باشند اما همه تلاش‌ها منجر به شکست شد. «بهمین ماه سال ۹۶ که اعلام شدند نصف ساختمان دانشکده باید تخلیه شود، و در نهایت هم کشتن‌ها شد این اتفاق.»

### دانشکده مورد غضب است

یوسف منصورزاده، رئیس سابق دانشکده درباره تغییرات رخ داده در این دانشکده و بسته شدنش در آینده پاسخی ندارد و به «شهروند» می‌گوید: «از رئیس فعلی پرس و جو کنید.» محمد امی‌گویند داخل ساختمانی که پیش از این دانشکده‌شان بوده و از جمله اساسی‌ترین عناصر میراث فرهنگی کشور است تخریب شده و آن را تغییر کاربری داده‌اند. «ساختمانی که کلاس‌ها و آتلیه‌ها در آن برگزار می‌شد تغییر کاربری داده شده. دیوارهای داخلی ساختمان که از جمله ساختمان‌های ماندگار دوران پهلوی است کاملاً برداشته شده. بچه‌های صنایع دستی کارهای زیادی در آن انجام داده بودند و حالا همه از بین رفته است. سالن ورزشی هم به بخش خصوصی واگذار شده و قرار است اجاره داده شود.» او می‌گوید فضای سبز بزرگی که در آن نمایشگاه برگزار می‌شد و فضای فرهنگی بود هم قرار است واگذار و اجاره داده شود و سپس از این شاهد برگزاری کنسرت است... برای کسب درآمد در آن مکان باشیم. محمد و سایر دانشجویان می‌گویند قرار است ساختمان دانشکده‌شان مرکز جدید اسناد کل سازمان میراث فرهنگی شود و اسناد سازمان از روزار تخانه به آنجا منتقل شود. موضوعی که محمد بهشتی، رئیس سابق پژوهشکده میراث فرهنگی هم در گفت‌وگو با «شهروند» آن را تأیید می‌کند.

پیش از این هم یک بار مرکز اسناد در دولت قبل به شیراز منتقل شده بود که آن انتقال توسط فعالان این عرصه از جمله بدترین تصمیمات عنوان شد و اسدالله درویش امیری، معاون امور مجلس، حقوقی و استان‌های سازمان میراث فرهنگی در سال ۹۴ با انتقاد از این تصمیم گفت: «انتقال معاونت فرهنگی این سازمان در دولت قبلی به شیراز زیانبار بود.»

و بعدها «ایرنا» در گزارشی در این باره نوشت: «بر اثر این اقدام دست کم ۳۰۰ میلیارد ریال به پژوهشگاه میراث فرهنگی خسارت وارد شد و بخشی از اسناد و مدارک نیز از بین رفت.» حالا قرار است بار دیگر این اسناد جابه‌جا شود و محمد می‌گوید جدای از بین رفتن دانشکده آنها نگران اسنادی‌اند که ممکن است این بار هم در جابه‌جایی آسیب ببینند یا از بین بروند. در این میان استادانی که سال‌ها در این دانشکده تدریس کرده‌اند هم از این وضع نگران و ناراضی‌اند. یکی از آنها اصغر محمد مرادی است که چند سالی به صورت جسته‌گریخته در این مرکز تدریس کرده و حالا مدیر گروه رشته مرمت دانشکده علم و صنعت است. او به «شهروند» می‌گوید این مرکز در دوره‌ای و بر اساس نیازهای گسترده در این حوزه شکل گرفت و در عین حال موازین شکل‌گیری‌اش هم درست بود، اما همواره مورد غضب واقع شد و نه تنها تلاشی برای توسعه آن صورت نگرفت که تلاش‌ها برای انحلالش بیشتر بود. «در تمام این سال‌ها هیچ پاسخی ندادند که چرا چنین تصمیمی گرفته شده است و با وجود این‌ها این مهم میراث فرهنگی دارد. نبود شناختی که یکی از عواقبش تخریب این دانشکده و عواقب دیگر تخریب بی‌حداثاری و فرهنگی است.» او می‌گوید جامعه باید مطالبه‌گری کند و این مطالبه‌گری شاید بتواند مسئولان راضی به حفظ آن کند. تلاشی که تاکنون بی‌نتیجه مانده است.

علی اصغر بدری، فعال مدنی در حوزه میراث فرهنگی اما نظری دیگری دارد و حلاله که یک قدم بیشتر به انحلال باقی نیست، به «شهروند» می‌گوید بهتر است در مقابل قانون و مصوبه مجلس نایستیم و هر چه زودتر تلاش کنیم تا این دانشکده زیر مجموعه یکی از دانشکده‌های فعلی و فعال میراث فرهنگی شود. «باید این سرمایه اجتماعی را حفظ کنیم و منطقی‌ترین راه این است که عیناً تابع دانشکده‌های موجود در کشور شود و این اتفاق با همه متعلق‌اتش یعنی کتابخانه و پژوهشگاه‌هاش بیفتد.» او می‌گوید با دانشکده هنر راینی‌هایی انجام گرفته و این دانشکده تنها مکانی است که می‌تواند در حال حاضر دانشکده میراث را زیر مجموعه خود کند: «دانشکده هنر راضی است و باید فرصت را از دست نداد.»

### انحلال، ۳۰ سال پس از تأسیس

دانشکده عالی میراث فرهنگی در سال ۶۸ با مجوز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به نخستین مرکز آموزش عالی تخصصی میراث فرهنگی بدل شد و در سال‌های بعد این مرکز در رشته‌های مرتبط با میراث فرهنگی، هنرهای سنتی، موزه‌داری، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، مرمت آثار تاریخی، مرمت بناهای تاریخی، راهنمای موزه‌ها و محوطه‌های تاریخی دانشجو گرفت و توانست بیش از ۲ هزار فارغ‌التحصیل داشته باشد و از قضا بسیاری از دس‌خوانده‌های این مرکز تبدیل شدند به متخصصان حوزه میراث فرهنگی و مسئولان و مدیران امروزی موزه‌ها و اداره‌های میراث استان‌ها. نمونه‌اش محمد حسن طالبیان، معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.

آن سال‌ها به گواه بسیاری از سال‌های طلایی مرکز بود تا آنکه در سال ۱۳۸۲ شورای عالی اداری مصوبه‌ای صادر کرد که در آن با توجه به رواج بی‌رویه مراکز آموزشی وابسته به دستگاه‌های اجرایی بر بازنگری این مراکز تأکید شد. با استناد به این مصوبه چند مرکز آموزش عالی وابسته به دستگاه‌های اجرایی تعیین تکلیف شد. فعالیت‌شان محدود یا به وزارت علوم واگذار شدند، اما به استناد این مصوبه هیچ مرکزی منحل نشد، مگر دانشکده میراث فرهنگی که هفت سال بعد از این مصوبه به ورطه انحلال افتاد. سال ۱۳۸۹ حمید بقایی، رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی، فعالیت مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی را غیر ضروری دید و از شورای عالی اداری برای این مرکز درخواست تعیین تکلیف کرد. دو سال بعد از این شورای عالی اداری تصمیم به تعیین تکلیف مراکز آموزش عالی زیر نظر دستگاه‌های اجرایی گرفت. اگرچه بر این اساس دستگاه‌های اجرایی نباید مرکز آموزش عالی یا دانشکده می‌داشتند، اما مراکز آموزش عالی وزارت نفت و آموزش و پرورش از این تصمیم مستثنی شدند. فعالیت دانشکده میراث فرهنگی هم به شورای عالی میراث فرهنگی کشیده شد و در آنجا هم مصوب شد، اما با تغییر مدیریت‌ها کار حفظ مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی متوقف شد. این مرکز آموزش عالی با تکلیف ماند تا آنکه اوایل سال ابتدایی از ساختمان دانشکده تخلیه شد، تیرماه هم کار به انتقال همه وسایل دانشکده کشید و حالا صحبت از انحلال است. □

## خسارت جبران‌ناپذیر بر پیکره آموزشی



محمد بهشتی

رئیس سابق پژوهشکده میراث فرهنگی

تعطیلی دانشکده عالی میراث فرهنگی، مدتی است نقل خیرهاست. خبر تلخی که فقط باید برایش غصه خورد و نگران بود. تعطیلی این مرکز که تنها مرکز آموزشی میراث فرهنگی است، خسارت جبران‌ناپذیری بر پیکره آموزشی این حوزه وارد خواهد کرد و برخلاف گفته‌های برخی که می‌گویند دانشکده‌هایی در این حوزه در سطح شهر وجود دارد، هیچ دانشکده‌ی نمی‌تواند جای دانشکده میراث فرهنگی را بگیرد چراکه مرکز آموزش عالی وابسته به سازمان بود و همانی بود که باید باشد. یعنی دانشجویان آنجا در حوزه نظری تحصیل می‌کردند و بعد وارد کار می‌شدند. دقیقاً اتفاقی که در دانشکده‌های پزشکی می‌افتد. دانشکده‌های پزشکی عموماً در کنار بیمارستان قرار دارند و کار در این حوزه هم بسیار شبیه رشته پزشکی است. این در حالی است که بسیاری از استادان دانشکده‌های فعلی در کشور از این دانشکده فارغ‌التحصیل شده‌اند و رشته‌های مختلفی چون مرمت ابنیه و آثار تاریخی، موزه‌داری و ... همگی استادانی دارند که در این دانشکده درس خوانده‌اند. به این ترتیب نمی‌توان هیچ دانشجویی برای دانشکده‌ای که رو به انحلال است در نظر گرفت.

اما ماجرا این است که از زمان ریاست حمید بقایی بر میراث فرهنگی کشور، سنگی به چاه انداخته شد که هیچ‌کس دیگر نتوانست آن را بیرون بیاورد. بعد از آن هم کار دیگر از اختیار سازمان خارج شد و حالا هم وزارتخانه در مقام انتخاب نیست که مرکز باقی بماند یا خیر. چرا که از دولت قبل که مصوبه شورای عالی اداری به تصویب رسید، به اتکای آن مصوبه قانونی قرار شد واحدهای آموزش عالی سازمان‌ها حذف شود. بسیاری از سازمان‌ها این کار را نکردند اما وضع در سازمان میراث فرهنگی متفاوت بود. فشارها زیاد شد و بعد هم که کار به حذف ردیف بودجه کشید دیگر چاره‌ای جز تعطیلی نماند. بعد از ریاست بقایی تلاش‌های فراوانی برای لغو مصوبه شد و حتی وزارت علوم در زمان وزارت محمد فرهادی به ادامه کار دانشکده رضایت داد و شورای عالی میراث فرهنگی هم در جلسه‌ای با حضور اسحاق جهانگیری تلاش کرد تا شورای عالی اداری مصوبه‌اش را از کار بپندازد اما شورای عالی اداری زیر بار نرفت و تلاش‌ها نتیجه‌بخش نبود.

حالا هم صحبت از این است که دانشکده واقع در کاخ نیاوران قرار است مرکز اسناد شود و نگرانی‌هایی برای جابه‌جایی اسناد وجود دارد. مطمئناً اشکالات جابه‌جایی اسناد که در دولت قبل اتفاق افتاد، وجود نخواهد داشت. دوره قبل اسناد بدون توجه به داخل کامیون‌هایی ریخته شد و بعد هم در آرگ کرم‌بخانی خالی شد. اسناد بسیاری از بین رفتند و حالا هم همین نگرانی‌ها همچنان وجود دارد. با وجود همه این نگرانی‌ها اما درد اصلی از بین رفتن دانشکده‌های است که استادان و دلسوزان بسیاری را تربیت کرد، اما در سال‌های گذشته مدیران مربوطه نتوانستند کاری برایش انجام دهند.

مشکل آنجاست که بعضی کار را با دل انجام می‌دهند و بعضی کار را با دست. مدیران در سال‌های گذشته کار را با دل‌شان پیش نبردند و در نهایت نتیجه از بین رفتن مرکزی است که اهمیت بسیاری در این حوزه دارد و دیگر نخواهد بود.

ساختمانی که کلاس‌ها و آتلیه در آن برگزار می‌شد تغییر کاربری داده شده. دیوارهای داخلی ساختمان که از جمله ساختمان‌های ماندگار دوران پهلوی است کاملاً برداشته شده. بچه‌های صنایع دستی کارهای زیادی در آن انجام داده بودند و حالا همه از بین رفته است. سالن ورزشی هم به بخش خصوصی واگذار شده و قرار است اجاره داده شود